



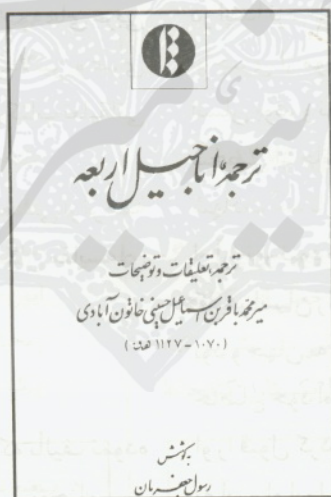
# انجیل به روایت میر محمد باقر

فرخ امیریار

ترجمه کتاب مقدس در ایران نیز پیشینه کهنی دارد. ظاهراً تا پیش از اسلام ترجمه‌ای از کتاب مقدس در ایران صورت نگرفته است. والتر فیشل استاد دانشگاه برکلی عقیده دارد به رغم این واقعیت که عناصر ایرانی و سامی کتاب مقدس در بسیاری از آثار شعری ایران اسلامی در هم آمیخته، و اینکه کتاب مقدس جزء لاینفکی از ادبیات فارسی بوده، نویسندگان ایرانی اطلاع و آگاهی دست اولی از آن کتاب نداشته... و اطلاعات محدود خود را درباره کتاب مقدس نه از اصل این کتاب تحصیل می کردند و نه از ترجمه فارسی آن؛ بلکه این منبع اطلاع منحصر بود به قرآن و حدیث و تفسیرهایی که از قرآن شده بود. به نظر فیشل در صدر اسلام نیز ترجمه‌ای از کتاب مقدس به زبان عربی در دسترس نبوده و آشنایی با محتوای کتاب مقدس از طریق تماس مستقیم با یهود و نصاری به دست می آمده است.<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۵۱ در ایتالیا ترجمه‌ای کهن از انجیل‌های چهارگانه به زبان فارسی منتشر شد. این ترجمه در هنگام پادشاهی مغولان در ایران از سریانی به فارسی صورت گرفته است. سبب این ترجمه و رواج آن در بخشی از ایران بدین مناسبت بود که مسیحیان در دوره‌ای از پادشاهی مغولها به آسودگی و آسایش می‌زیستند و مذهب آنان مورد احترام و علاقه پاره‌ای از سلاطین مغولی بود... گذشته از این، سلاطین مغول ایران با دربار پاپ ارتباط داشتند و تحت تأثیر مسیحیت واقع گردیدند.<sup>۳</sup> آقای ایرج افشار در مقاله‌ای که در معرفی این کتاب نوشته‌اند، به برخی واژه‌های به کار

«ترجمه کتاب مقدس [انجیل و تورات] به سبب طول سنت، حجم کار و تنوع مشکلات و مسائل از ترجمه کتب دیگر ممتاز است. کار ترجمه کتاب مقدس با ترجمه عهد عتیق از زبان عبری به زبان یونانی در قرن سوم قبل از مسیح آغاز شده است و تا روزگار ما ادامه دارد و در طی این مدت کتاب مقدس دست کم به ۱۱۰۹ زبان ترجمه گشته است. از این جمله ۲۱۰ زبان ترجمه کامل کتاب مقدس و ۲۷۱ زبان ترجمه عهد جدید را دارا هستند. از اینجمله معلوم می‌شود که ترجمه کتاب مقدس مسیحیان لاقبل به زبان ۹۵ درصد مردم جهان وجود دارد. گذشته از این، قسمت اعظم این کار سترگ در روزگاران اخیر انجام گرفته است. در هنگامی که چاپ اختراع شد، یعنی در حدود ۵۰۰ سال قبل، فقط به ۳۳ زبان ترجمه‌هایی از کتاب مقدس وجود داشت، و حتی در آغاز قرن نوزدهم تنها ۷۱ زبان ترجمه‌هایی از کتاب مقدس داشتند. اما در طول قرن نوزدهم بخشهایی از کتاب مقدس به ۴۰۰ زبان ترجمه شد و در نیمه اول قرن بیستم قسمتهایی از آن تقریباً به ۵۰۰ زبان و گویش دیگر برگردانده شد. در حال حاضر حجم ترجمه‌ها و تجدید نظرهایی که از ترجمه‌های کتاب مقدس می‌شود چندان زیاد است که در ظرف ۲۵ سال آینده ترجمه‌هایی که به چاپ خواهد رسید بیش از تمام ترجمه‌هایی خواهد بود که در تمام قرن نوزدهم به چاپ رسیده است. زیرا در حال حاضر بیش از هزار نفر، تمام یا قسمتی از وقت خود را در نقاط مختلف دنیا صرف ترجمه و تجدید نظر در ترجمه‌های کتاب مقدس می‌کنند.»<sup>۱</sup>



ترجمه، تعلیقات و توضیحات:  
میر محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی  
(۱۰۷۰-۱۱۲۷ هـ. ق.)  
به کوشش: رسول جعفریان  
چاپ اول: ۱۳۷۵ ■ ناشر: نقطه  
با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب  
قطع وزیری، ۳۵۶ ص.  
شماره: ۳۰۰۰ نسخه

رفته در این ترجمه اشاره کرده اند، از جمله: «گوشتمند» در برابر جسد، پیکر، جسم؛ «جان پاک» در برابر روح القدس؛ «خوانندگان» در برابر مدعوین؛ «در کاویدن» در برابر مباحثه کردن و «شورنده» در برابر تعمید دهنده.<sup>۴</sup>

در میان شاهان ایران، ظاهراً شاه عباس یکم نخستین پادشاهی است که با کتاب مقدس ارتباط مستقیم داشته است. تا پیش از زمان شاه عباس، روابط ایران با جهان خارج از نظر اقتصادی و فرهنگی و سیاسی به شدت و قوت ارتباط زمان او نبوده است. در پرتو همین ارتباط بود که شاه با کتاب مقدس آشنا شد و فرمان ترجمه آن را به فارسی داد. مردی که این وظیفه را بر عهده گرفت، جان تادئوس رئیس مبلغان کرملی در ایران و پس از آن اسقف ایشان در اصفهان بود. نسخه این کتاب ترجمه در کتابخانه آکسفورد هست.<sup>۵</sup>

ترجمه اناجیل (بعده، ترجمه ای است از «عهد جدید» که در زمان شاه سلطان حسین صفوی صورت گرفته است. آقای جعفریان که این کتاب به همت ایشان منتشر شده است در مقدمه ای نزدیک به ۷۰ صفحه درباره ادبیات ضد مسیحی در دوره صفوی، شاه عباس و فعالیت های مذهبی مسیحیان، ادبیات ضد مسیحی در دوره شاه سلطان حسین و مطالبی دیگر در این زمینه بتفصیل توضیح داده اند.

مترجم این اثر علاوه بر نسخه های متعدد از ترجمه های عربی با کمک کشیشانی که در اصفهان بوده اند از متن های لاتین و عبری کتاب مقدس نیز بهره برده است. همچنین در پایان کتاب تعلیقاتی درباره انجیل ها آورده است. در پایان، ابتدا بخشی از این ترجمه و سپس بخشی از ترجمه دوران معاصر را نقل کرده ایم تا برای خوانندگان امکان مقایسه ای میان این دو فراهم آید.

## انجیل یوحنا

به نام پدر و پسر و روح پاک خدای یگانه انجیلی که تألیف نموده آن را پاکی که بزرگ و شاگرد و رسول است؛ یعنی یوحنا پسر زبدی دوست پروردگار ما یسوع مسیحی

### فصل اول [باب اول]

در ابتدا بود کلمه، و کلمه بود نزد خدا، و خدا همان کلمه است، این بود همیشه نزد خدا، همه چیز از آن پیدا شده و از غیر آن پیدا نشده چیزی از آنچه پیدا شده؛ و به سبب آن یافت شد

حیات، و حیات نور مردم است و نور تأیید در ظلمت و ظلمت نیافت نور را، انسانی فرستاده شد از جانب خدا که نام او یوحنا بود، آمد به جهت گواهی دادن برای نور تا ایمان آورند همه مردم به نور؛ و یوحنا نبود نور، بلکه آمد تا گواهی دهد برای نور، نور حقیقی کسی است که روشنی دهد هر کسی را که آید به عالم، در عالم بود و عالم از او پیدا شد، و عالم او را شناختند، آمد به جانب مخصوصان خود و او را قبول نکردند؛ و داد به جماعتی که او را قبول کردند سلطنتی بر آن که پسران خدا شوند و ایمان آورند به نام او، و نبودند ایشان از خون و نه از گوشت و نه از خواهش مردی، لیکن از خدا زاییده شدند، و کلمه بدن شد و فرود آمد در میان ما و دیدیم بزرگواری او را مانند بزرگواری فرزند یگانه که از پدر به وجود آید و پر باشد از نعمت و راستی؛ یوحنا گواهی داد برای او و فریاد کرد و گفت: این است که گفتم که بعد از من می آید و بیش از من است زیرا که از من قدیمتر است و از پُری او ما همگی گرفتیم و نعمتی به عوض نعمتی، زیرا که دین و کتاب به موسی داده شد و نعمت و راستی برای یسوع مسیح لازم شد.

## انجیل یوحنا

### باب اول

در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود، همان در ابتدا نزد خدا بود، همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت، در او حیات بود و حیات نور انسان بود، و نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را در نیافت، شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی بود، او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به وسیله او ایمان آورند، او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد، آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می گرداند و در جهان آمدنی بود، او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را شناخت، به نزد خاصان خود آمد و خاصان او را نپذیرفتند، و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتند، و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پُر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر، و یحیی بر او شهادت داد و ندا کرده می گفت: این است آنکه درباره او گفتم آنکه بعد از من می آید پیش از من شده است. زیرا که بر من مقدم بود، و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد اما

فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید، خدا را هرگز کسی ندیده است پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد، و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لاویان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی، که معترف شد و انکار نمود بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم، آنگاه از او سؤال کردند پس چه؟ آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستم. آیا تو آن نبی هستی؟ جواب داد که نی، آنگاه بدو گفتند: پس کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستادند جواب بدهیم؟ درباره خود چه می‌گویی؟ گفت: من صدای ندا کننده در بیابانم که راه خداوند را راست کنید چنان که اشعیاء نبی گفت، و فرستادن از فریسیان بودند، پس از او سؤال کرده گفتند اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی نیستی پس برای چه تعمیم می‌دهی؟، یحیی در جواب ایشان گفت من به آب تعمید می‌دهم و در میان شما کسی ایستاده است که شما او را نمی‌شناسید، و او آن است که بعد از من می‌آید اما پیش

از من شده است که من لایق آن نیستم که بند نعلینش را باز کنم، و این در بیت عبیره که آن طرف اردن است در جایی که یحیی تعمید می‌داد واقع گشت، و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید پس گفت: اینک بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد.

جهان کتاب، سال سوم، شماره سوم و چهارم، (بهمن ۱۳۷۶)

پانوش:

- ۱- یوجین آ. نایدا، اصول و روش ترجمه، ترجمه فریدون بدره‌ای، الفبا، ج ۳، «تهران، امیرکبیر، بی تا»، صص ۳۸ و ۳۹.
- ۲- والتر ژ. فیشر، ترجمه‌های فارسی تورات و انجیل، ترجمه احمد آرام، راهنمای کتاب، س ۲، ش ۵، (اسفند ۱۳۳۸)، ص ۶۷۵.
- ۳- ایرج افشار، ترجمه هفتصد ساله انجیل‌های چهار گانه، یغما، س ۴، ص ۵۰۴.
- ۴- همان.
- ۵- فیشر، ترجمه‌های فارسی تورات و انجیل، ترجمه احمد آرام (قسمت دوم)، راهنمای کتاب، س ۳، ش ۱، (اردیبهشت ۱۳۳۹)، صص ۲۳-۲۱.

کتابخانه  
متون



## مجموعه نسخه‌های خطی فارسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان

زیر نظر سیمینوف آ. آ.

مترجم عارف رمضان

تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵  
ص ۳۵۴.

مجموعه نسخ خطی مؤسسه شرق شناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان به نام ابوریحان بیرونی از لحاظ علمی و تعداد نسخ یکی از غنی ترین و مشهورترین مخازن نسخ خطی شرقی محسوب می‌گردد. آثار ابونصر فارابی، ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، یوسف حاجب، علامه زمخشری، فردوسی، نظامی، سعدی، امیر خسرو دهلوی، الغ بیک، عبدالرحمن جامی، علیشیرنویسی و غیره جزو شاهکارهای ادب دنیا بوده و با عظمت اولیه خود قرون متمادی را پشت سر گذاشته تا به امروز رسیده و موجب وجد و شغف ما شده است.

این فهرست حاوی معرفی بسیار اجمالی نسخه‌های فارسی فهرستهای ۶ جلدی این مجموعه است.



## فهرست نسخه‌های فارسی موجود در کتابخانه عمومی دولتی سالتیکوف - شدرین

به اهتمام: کاستیکووا، گ. ی

مترجم: عارف رمضان

تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵  
ص ۱۹۹.

نسخ خطی کتابخانه عمومی سالتیکوف - شدرین سن پترزبورگ یکی از مخازن غنی جهان محسوب می‌شود. نسخ خطی این کتابخانه را می‌توان با نسخه‌های خطی مؤسسه شرق شناسی سن پترزبورگ، مؤسسه شرق شناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، کتابخانه بریتانی در لندن و کتابخانه ملی پاریس در یک ردیف قرار داد. این فهرست شامل معرفی بسیار اجمالی ۱۳۶۹ نسخه در کلیه رشته‌های علوم اسلامی می‌باشد که در لابلای آنها نسخه‌های منحصر به فرد و اهدایی مؤلفان نیز به چشم می‌خورد.

